بسمه تعالی

ضرورت بازاندیشی و بازنویسی کتاب جهاد[[1]](#footnote-1)

رحیم نوبهار

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق-دانشگاه شهید بهشتی

اسلام­هراسی که از پدیده­های رایج زمان ماست عوامل و اسباب گوناگونی دارد. بی­شک برخی از عوامل و اسباب این پدیده شوم ریشه در خارج از جهان اسلام و دشمنان آن دارد. اما بن مایه های درونی اسلام هراسی را نمی­توان انکار کرد. برخی آموزه ها در منابع فقهی دستاویز مناسبی برای توسعه اسلام هراسی است. شمار قابل­توجهی از فتاوی موجود در "کتاب الجهاد" بخشی از این دست­مایه­ها را تشکیل می­دهد. برخی از احکام مذکور در "کتاب الجهاد" جدا از ارتباطشان با پدیده اسلام هراسی به خودی خود هم درست و قابل دفاع نیستند. آن­ها با مبانی اسلامی ناسازوارند و بنابر این نیاز جدی به بازنگری و بازنویسی دارند.

تحلیل گفتمان حاکم بر کتاب الجهاد رایج، نشان می­دهد که اصل اولی در رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، جنگ است. صلح حالتی استثنایی است که از سر ضرورت یا مصلحت می­توان به آن تن داد. این پیش­فرض که منشأ احکام فراوانی هم شده، به خودی خود کافی است تا کتاب الجهاد را بازاندیشی و بازنویسی نیازمند نماید. بویژه این­که شماری از آیات قرآنی و آموزه های موجود در سنت با عموم و اطلاق خود از صلح همچون اصل مرجع سخن می­گویند.

مباحث جهاد با نفس که در میراث اسلامی برجسته است و به لحاظ عملی پیش­شرط هر گونه جهاد موفقیت­آمیزی است از کتاب الجهاد جدا شده است. این امر به نوبه خود سبب شده تا جهاد وجهی کاملاً برون­گرایانه به خود بگیرد و به نوعی به فتح سرزمین و الزام دیگران به پذیرش اسلام فروکاسته شود. حال آن که نتایج و مقاصد مورد نظر در جهاد به معنای تلاش برای گسترش دین، جز با معنویت، اخلاق و درون­گرایی که در مباحث جهاد با نفس بر آن تأکید شده به دست نمی­آید.

برابر کتاب الجهاد کنونی شمشیرگذاشتن به گردن غیرمسلمان برای تحمیل اسلام به وی جایز است؛ امری که در جهان کنونی پذیرفتنی نیست و با بسیاری دیگر از آموزه­های اسلامی هم سازگار نمی­آید.

در کتاب الجهاد تأکید بر مرزهای جغرافیایی و حفظ آن­هاست؛ اما مرزهای فرهنگی که در زمانه ما پاسداشت آن­ها ظرافت­ها و اقتضائات ویژه دارد، و گونه ای دیگر از جهاد و تلاش و احیاناً تعامل را می­طلبد، به کلی مغفول مانده است.

امروزه برده­داری لغو شده و بنای عقلای جهان بر عدم­شناسایی رابطه ملکیت میان انسان با انسان مبتنی است. خردمندان عالم سال­هاست که بر برده داری مهر بطلان زده و آن را از مدار اعتبارات عقلایی خارج نموده اند. متون فقهی در باب جهاد اما به بردگی گرفتن سربازان دشمن و حتی زنان و فرزندان آنان را تجویز می­کند.

در جهان امروز برابر اعتباری عقلایی که با حمایت قراردادهای دو یا چند جانبه استوارتر شده است، سرزمین هر کشور به مردمی که در آن زیست می­ کنند، تعلق دارد. اما در متون فقهی در کتاب الجهاد همچنان از امکان تصاحب سرزمین غیرمسلمانان سخن گفته می­شود.

امروزه در درگیری­های مسلحانه خواه از نوع تهاجم باشد یا دفاع یا درگیری­های داخلی، برابر قوانین و مقررات بین­المللی که اتفاقاً مسلمانان جهان نیز از مذاهب اسلامی مختلف آن­ها را به گرمی پذیرفته­اند، انبوهی از مقررات انسانی و اخلاقی باید مراعات شود. با آن که آموزه­های نبوی(ص) در بنیان­گذاری این قواعد نقش داشته است اما این قواعد با گذر زمان تحول و تکامل یافته­اند. این در حالی است که متون فقهی در حال و هوای همان اصلاحات نبوی(ص) باقی مانده و روزآمد نشده­اند. متون فقهی در کتاب الجهاد به آسانی از مقولاتی مانند بستن آب بر روی دشمن، منهدم کردن خانه­ها، قتل زنان و کودکان در شرایط اضطرار، قتل فجیع و شکنجه­آمیز مانند قطع دست و پای فرد و رهاکردن او تا گاه جان­دادن، کشتن اسیران، بی­احترامی به کشته­های دشمن و عدم­لزوم دفن آن­ها، متلاشی ساختن خانواده­های دشمن از طریق ابطال عقد اسیر با همسرش، به غنیمت رسیدن زنان و اطفال دشمن و مال تلقی­کردن آن­ها به آسانی سخن گفته می­شود. این در حالی است که بسیاری از این اقدامات بر فرض که در متون دینی تجویز شده باشد در زمان­های پیشین بخشی از قواعد عرف مسلط زمانه بر جنگ و مسایل پیرامونی آن بوده است. آن عرف و رویه­ها امروزه کاملا دگرگون شده اند.

توجه به مشکلات پیش­گفته از یک­سو و ظرفیت عظیم مبانی فقهی-اسلامی از سوی دیگر خوانشی انسانی-اخلاقی از جهاد و مسایل آن را ضروری می­سازد. گزارش گزینشی از کتاب الجهاد و پنهان کردن مواردی که به بخشی از آن­ها اشاره شد، برای رویارویی با اسلام هراسی راهکاری بنیادین نیست. باید این کاستی­ها را واکاوی نمود و از ظرفیت مبانی اسلامی برای درانداختن طرحی نو برای بازنویسی کتاب الجهاد بهره برد. به­ویژه این­که مسلمانان در عمل، باآن­که بر عهدنامه­های حقوق بشری حق شرط­هایی گذاشته­اند مقررات و عهدنامه­های مربوط به صلح و حقوق بشردوستانه را هرگز مغایر با مبانی اسلامی نیافته­اند و به گرمی از آن­ها استقبال کرده­اند. این نشان می­دهد که ظرفیت مبانی اسلامی برای مشارکت نظری و عملی در گفتمان صلح وصلح­سازی بسی فراتر از آن چیزی است که در متون فقهی کهن آمده است.

**واژگان کلیدی:** جهاد، جنگ، اسلام، صلح، اسلام هراسی.

1. . خلاصه مقاله برای همایش ملی اخلاق جنگ، اخلاق صلح، اخلاق عفو و دوستی، 21 و 22 اردیبهشت 1395، دانشگاه شیراز. [↑](#footnote-ref-1)